

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مروری بر کلیات اندیشه استاد مطهری و

ضرورت زنده نگه داشتن آن در ساحت عمومی جامعه

انقلاب اسلامی و عوامل تداوم آن

چکیده:

۱- تلاش‌های فکری آیت‌الله مطهری، توانست انگیزه‌های انقلابی مردم ایران را درون چارچوب اسلامی و دینی قرار دهد و به این ترتیب اسلام را راهنمای عمل علیه ظلم و استبداد و پاسخ‌گو به همه ابعاد و نیازهای زندگی فرد ایرانی، معرفی کرد. اولین نتیجه تلاش‌های فکری استاد مطهری، جلوگیری از افتادن توده‌های انقلابی ایران در دام مکاتب بیگانه، به‌ویژه مارکسیسم بود.

۲- مروری بر آثار فراوانی که استاد مطهری در زمینه‌های مختلف تألیف کرده‌اند، نشان می‌دهد که چگونه ایشان موفق شد خوانشی عقلانی و پاسخ-گو به نیازهای روز از اسلام ارائه دهد، در حالی که نه تنها دچار التقاط نشد،

بلکه اندیشه ایشان خود معیاری برای تشخیص اسلام التقاطی از اسلام ناب گردید.

۳- مراجعه به آراء و عقاید استاد مطهری، که امام بی‌استثناء همه آنها را مفید می‌دانستند، از جهت چگونگی زیست فرد مسلمان در دنیای جدید با مقتضیات مدرن اهمیت زیادی دارد. استاد مرتضی مطهری همواره در مقام یک محقق دینی و مجاهد عرصه تبیین، در جستجوی اقناعی‌ترین پاسخ از منظر دین و عقل و علم به موضوعات و مسائل روز بود و در این راه موفق عمل کرد؛ چرا که مبانی فکری وی به تعبیر رهبر معظم انقلاب، مبانی حرکت ایدئولوژیک نهضت اسلامی ایران را پی‌ریزی کرد.

۴- از مسائل مهم در جریان نهضت اسلامی ایران و انقلاب اسلامی، مقوله حکومت جایگزین است که امام خمینی (ره) بحث آن را به تدریج از سال‌های پایانی دهه ۴۰ در نجف تحت عنوان حکومت اسلامی آغاز کرد. شهید مطهری هم با ردّ دموکراسی غرب، همان دیدگاه امام درباره حکومت جایگزین، یعنی جمهوری اسلامی را تبیین و تشریح کرد و جمهوریت و اسلامیت را دو مفهوم در هم تنیده‌ای دانست که تداعی‌کننده حق الهی حکومت و حق رأی و دخالت مردم در سرنوشت خود است.

۵- از موضوعات بسیار اساسی در تأملات استاد مطهری، حفظ انقلاب اسلامی در آینده است. به اعتقاد ایشان، عدم شناخت انقلاب، سبب تحریف آن می‌شود و بنابراین «تا ما به ماهیت این انقلاب شناخت و شناسایی درست پیدا نکنیم راه آینده خودمان را درست تشخیص نمی‌دهیم». بنابراین در زمانه‌ای که در پرتو جنگ ترکیبی و شناختی دشمن، ایادی روشنفکر ماب غرب‌گرای آن قصد دارند با تفسیر غیرواقعی از انقلاب اسلامی، مظاهر پیشرفت و دستاوردهای آن را به سود منافع سیاسی خود تفسیر کنند، بازخوانی اندیشه استاد مطهری، به‌ویژه در زمینه انقلاب اسلامی، نسل نوجوان و جوان و کلیه تبیین‌گران و هادیان را در شناخت درست این پدیده یاری می‌کند و همچنان که استاد شهید تأکید دارند، شناخت درست انقلاب اسلامی، عامل اصلی حفظ و تداوم آن است.

مروری بر کلیات اندیشه استاد مطهری و ضرورت زنده نگه داشتن آن در ساحت عمومی جامعه انقلاب اسلامی و عوامل تداوم آن

مقدمه

نقش و اهمیت نظریه‌پردازی استاد شهید، مرتضی مطهری، در شکل-گیری انقلاب اسلامی بر همگان روشن است. تلاش‌های فکری آیت‌الله مطهری، توانست انگیزه‌های انقلابی مردم ایران را درون چارچوب اسلامی و دینی قرار دهد و به این ترتیب اسلام را راهنمای عمل علیه ظلم و استبداد و پاسخ‌گو به همه ابعاد و نیازهای زندگی فرد ایرانی، معرفی کرد. اولین نتیجه تلاش‌های فکری استاد مطهری، جلوگیری از افتادن توده‌های انقلابی ایران در دام مکاتب بیگانه، به‌ویژه مارکسیسم بود. استاد مطهری بخش زیادی از انگیزه‌ها و گرایشاتی که فرد ایرانی را در قرن بیستم به تحرک واداشته بود مورد توجه قرار داد و پاسخ دین اسلام به آن‌ها را استخراج و منتشر کرد. مفاهیمی همچون هویت و رابطه فرد و جامعه، آزادی، عدالت، حق، حکومت، ولایت، رابطه اسلام و ایران، مکاتب فکری غرب و شرق و... از جمله موضوعاتی بودند که با وجود ناکامی مشروطه،

همچنان ذهن فرد ایرانی را به خود مشغول کرده بود و او را به جستجوی پاسخ اسلام و دین و می داشت. در چنین شرایطی استاد مطهری با غور و بررسی حیطه‌های مختلف علوم انسانی و فرهنگی، از عقاید اسلامی، فلسفه، اخلاق، تفسیر قرآن گرفته تا تاریخ، مکاتب و ایدئولوژی‌های بیگانه، جامعه‌شناسی و... پاسخ دین و اسلام را به موضوعات مطرح شده ارائه دادند و پشتوانه قوی فکری و فرهنگی برای انقلاب اسلامی ایجاد کردند. (ر.ک: لک‌زایی و دیگران، ۱۳۸۱)

مروری بر آثار فراوانی که استاد مطهری در زمینه‌های مختلف تألیف کرده‌اند، نشان می‌دهد که چگونه ایشان موفق شد خوانشی عقلانی و پاسخ‌گو به نیازهای روز از اسلام ارائه دهد، در حالی که نه تنها دچار التقاط نشد، بلکه اندیشه ایشان خود معیاری برای تشخیص اسلام التقاطی از اسلام ناب گردید. بنابراین مراجعه به آراء و عقاید استاد مطهری، از جهت چگونگی زیست فرد مسلمان در دنیای جدید اهمیت زیادی دارد. اندیشه ایشان چگونگی زیست معنوی و عقلانی انسان دینی در دنیای جدید را فراهم می‌سازد و میان میراث دینی و سنتی جامعه ایران با مقتضیات دنیای مدرن پیوند برقرار می‌کند و البته باید دانست که فرد مسلمان در دنیای جدید

گزیزی از این پیوند ندارد و نمی‌تواند کاملاً بی‌توجه به مدرنیسم باشد و یا آن را کاملاً بپذیرد، بلکه تنها راه، ایجاد تلفیق منطقی و عقلانی است و تأملات استاد مطهری کمک زیادی به چگونگی ایجاد این تلفیق می‌کند.

استاد شهید، آیت‌الله مطهری، که خود در مکتب امام خمینی (ره) پرورش یافته است، البته در همان چارچوب عقاید و اندیشه حضرت امام، اندیشه-ورزی کرده و به‌نوعی در بسیاری از حوزه‌ها، مکتب امام خمینی را تفسیر و تشریح می‌کند، بنابراین اندیشه ایشان، ترجمانی از آموزه‌های مکتب امام خمینی در حوزه‌های مختلف است، همچنان‌که اندیشه مقام معظم رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای نیز در ادامه اندیشه امام و استاد مطهری است و دیدگاه‌های معظم‌له در حوزه‌های مختلف، صورت تکامل یافته اندیشه امام و آیت‌الله مطهری است، بنابراین اندیشه استاد مطهری، ذخیره و پشتوانه فکری مهمی برای انقلاب و جمهوری اسلامی است.

ذخایر فکری و معرفتی یک ملت، اهمیت زیادی در تداوم حیات آن جامعه و کشور دارند و هر اندازه این ذخایر بیشتر در فضای عمومی جامعه مطرح شوند، استقلال فکری و معنوی آن کشور بیشتر حفظ می‌گردد. از سوی دیگر طرح این ذخایر فکری و تبلیغ و ترویج آن‌ها در جامعه، به-

معنای دعوت مردم به اندیشه‌ورزی و خردمندی است و این موضوع به‌ویژه درباره اندیشه و آثار استاد مطهری، بسیار کارآیی دارد، چرا که اساس روش ایشان در اندیشه‌ورزی، کلامی است، یعنی مواجهه عقلانی با میراث اسلامی.

دعوت جامعه به آگاهی، معرفت و اندیشه‌ورزی که با طرح ذخایر فکری انقلاب اسلامی در فضای عمومی جامعه حاصل می‌شود، نقشی حیاتی در رشد و تکامل ملت ایران دارد. اکنون در زمانه‌ای به‌سر می‌بریم که کاریکاتوری از تولیدات مدرن و پُست مدرن، ما را احاطه کرده‌اند و در این میان بیش از همه اندیشه و معرفت و تأمل در امورات متعالی آسیب دیده است، یعنی در فضای عمومی جامعه، این مفاهیم و ارزش‌ها، اهمیت خود را از دست داده‌اند. نسل جوان امروز در معرض تهدیداتی، همچون تهدیدات از ناحیه فضای مجازی، قرار دارد که بیش از هر چیز بصیرت و روشن‌اندیشی او را از بین می‌برد و او را وارد دنیایی از روزمره‌گرایی، شتاب و عدم تأمل و تفکر می‌کنند. فرد فاقد اندیشه و بصیرت، می‌تواند به هر سویی برود و رشد و تکامل جامعه برایش اهمیتی ندارد. از این جهت، مطرح کردن هرچه بیشتر اندیشه و آثار استاد مطهری که دعوت به آگاهی،

اندیشه‌ورزی و معرفت، به معنای کلی آن است، به معنای فراهم‌سازی زمینه رشد و تکامل کشور است، چرا که روشنایی چراغ اندیشه و خرد است که سبب رشد و تکامل یک کشور می‌شود. دست‌کم این‌که در جامعه‌ای که ذخایر فکری و فرهنگی‌اش در حوزه عمومی زنده باشند، طغیان صورت نمی‌گیرد و آن جامعه از ثبات بیشتری برخوردار است. وقتی یک ملت با میراث فکری و فرهنگی خود بیگانه شود، زمینه اقدام علیه وضع موجود و یا استحاله فرهنگی در آن مهیا می‌شود.

همه این‌ها ضرورت توجه به اندیشه استاد مطهری و زنده نگه داشتن تفکرات ایشان در حوزه عمومی جامعه ایران را یادآوری می‌کند. بسیار روشن است که در این مطلب نمی‌توان حتی به بخش کوچکی از اندیشه استاد پرداخت، بلکه تنها به کلیات و امّات اندیشه ایشان می‌پردازیم و البته با توجه به آثار زیادی که در تفسیر و تشریح اندیشه استاد مطهری صورت گرفته است، هدف و قصد اصلی در این‌جا تأکید بر زنده نگه داشتن اندیشه و آثار استاد شهید در فضای عمومی جامعه است.

زندگی و زمانه استاد مطهری

استاد شهید آیت‌الله مطهری در ۱۳ بهمن ۱۲۹۸ در شهرستان فریمان چشم به جهان گشود. پس از طیّ دوران طفولیت به مکتب‌خانه رفته و به فراگیری دروس ابتدایی پرداخت. در سن دوازده سالگی به حوزه علمیه مشهد عزیمت کرده و به تحصیل مقدمات علوم اسلامی اشتغال ورزید. در سال ۱۳۱۶ برای تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه علمیه قم شد و در دوره اقامت پانزده ساله خود در قم از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی (در فقه و اصول) و امام خمینی (به مدت دوازده سال در فلسفه ملاً صدرا و عرفان و اخلاق و اصول) و علامه سیدمحمدحسین طباطبائی (در فلسفه بوعلی و فلسفه تطبیقی) بهره گرفت. وی در مدت اقامت خود در قم علاوه بر تحصیل علم، در امور اجتماعی و سیاسی نیز مشارکت فعال داشت. (واتقی، ۱۳۷۸: ۲۶-۴۸)

در سال ۱۳۳۱ به تهران مهاجرت کرد و در تهران به تدریس علوم حوزوی در مدرسه مروی و نیز تألیف و سخنرانی‌های تحقیقی پرداخت. در سال ۱۳۳۴ ایشان اولین جلسه از جلسات تفسیر قرآن خود را برای دانشجویان برگزار کرد. در همان سال، تدریس خود در دانشکده الهیات و

معارف اسلامی دانشگاه تهران را آغاز کرد و تا سال ۱۳۵۶ در این دانشکده به تدریس مشغول بود. در سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ که انجمن اسلامی پزشکان تشکیل گردید. استاد مطهری از سخنرانان اصلی این انجمن و در طول سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ سخنران منحصر به فرد این انجمن بود و بخشی از آثار استاد محصول همین جلسات است. (همان: ۵۰-۵۷)

از سال ۱۳۴۱ که نهضت امام خمینی (ره) آغاز گردید، استاد مطهری به طور فعال در کنار امام بود به طوری که می‌توان سازماندهی قیام پانزده خرداد در تهران و هماهنگی آن با رهبری امام را مرهون تلاش‌های او و یارانش دانست و به‌همین جهت به مدت ۴۳ روز دستگیر و زندانی شد.

پس از تبعید امام خمینی به خارج از کشور، آیت‌الله مطهری به تألیف کتاب در موضوعات مورد نیاز جامعه و ایراد سخنرانی در دانشگاه‌ها و مساجد مختلف ادامه داد و برای اسلامی کردن محتوای نهضت تلاش‌های ایدئولوژیک بسیاری نمود و با کجروی‌ها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد. بعد از تبعید امام خمینی، هسته‌های جامعه روحانیت در قم و تهران تشکیل شدند که کار اصلی آنان ترویج و تبلیغ ایدئولوژی اسلامی و مواضع امام خمینی بود. استاد مطهری از بنیان‌گذاران جامعه روحانیت تهران و

نماینده امام در آن بود. در این زمان که هیأت‌های مؤتلفه اسلامی تشکیل شده بودند، آیت‌الله مطهری در رأس رهبری این هیأت‌ها قرار گرفت. ایشان در سال ۱۳۴۶ به کمک چند تن از دوستان اقدام به تأسیس حسینیه ارشاد کرد. از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱ برنامه‌های تبلیغی مسجد الجواد را به عهده داشت و غالباً خود سخنران اصلی بود تا اینکه آن مسجد و به دنبال آن حسینیه ارشاد تعطیل گردید و بار دیگر استاد مطهری دستگیر و مدتی در بازداشت قرار گرفت. پس از آن استاد شهید سخنرانی‌های خود را در مسجد جاوید و مسجد ارک و غیره ایراد می‌کرد. بعد از مدتی مسجد جاوید نیز تعطیل گردید. در حدود سال ۱۳۵۳ ممنوع المنبر گردید و این ممنوعیت تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت.

از مهمترین خدمات استاد مطهری ارائه ایدئولوژی اسلامی از طریق درس و سخنرانی و تألیف کتاب بود. این امر خصوصاً در سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ به خاطر افزایش تبلیغات گروه‌های چپ و پدید آمدن گروه‌های مسلمان چپ زده و ظهور پدیده التقاط به اوج خود رسید. ایشان نسبت به ایدئولوژی «مجاهدین خلق ایران» نیز به‌دیده تردید می‌نگریست و آنان را «التقاطی» می‌دانست و دیگران را از همکاری با این سازمان باز می‌داشت و

حتی تغییر ایدئولوژی آنها را پیش‌بینی کرد. در دوران اقامت امام خمینی در پاریس، سفری به آنجا نموده و در مورد مسائل مهم انقلاب با ایشان گفتگو کرد و در همین سفر، امام خمینی ایشان را مسئول تشکیل شورای انقلاب اسلامی نمود. هنگام بازگشت امام خمینی به ایران مسئولیت کمیته استقبال از امام را شخصا به عهده گرفت و تا پیروزی انقلاب اسلامی همواره در کنار رهبر کبیر انقلاب اسلامی بود. (همان: ۵۷-۷۵)

کلیات اندیشه استاد مطهری

کار اصلی آیت‌الله مطهری استخراج و تشریح پاسخ اسلام به مسائل دنیای جدید بود. استاد مرتضی مطهری همواره در مقام یک محقق دینی و مجاهد عرصه تبیین قرار داشت که پاسخ دین به موضوعات و مسائل روز را ارائه می‌کرد. استاد شهید با سخنرانی‌های مختلف مبانی حرکت ایدئولوژیک نهضت اسلامی ایران را پی‌ریزی کرد. موضوعات مورد توجه استاد مطهری حوزه‌های مختلف زندگی فرد در دنیای جدید را در برمی‌گیرد و وی در تمامی این حوزه‌ها تلاش می‌کند اسلام را پاسخ‌گوی نیازها و سؤالات انسان معرفی کند. رهیافت او در این کار، فلسفی است. استاد مطهری دین در قامت ایدئولوژی را با رویکرد سنتی به آن ناکافی می‌بیند و

از این رو سعی می‌کند با روش فلسفی-کلامی آموزه‌های دینی را در مواجهه با مسائل دنیای جدید، کارآمد و پاسخ‌گو معرفی کند. وی در کارهای خود رویکردی تبلیغی-هدایتی در پیش می‌گیرد و به دفاع از عقاید اسلامی برمی‌آید. (محمدی، ۱۳۷۴: ۱۰۶-۱۰۸)

استاد مطهری از سال‌های میانی دهه ۳۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی در این راه تلاش می‌کند و نقشی اساسی در ترویج ایدئولوژی اسلامی در ایران و پیشبرد نهضت امام خمینی (ره) ایفا می‌کند. ایشان دین را بیشتر به معنای ایدئولوژی می‌داند که عبارت از «یک نظام و ایدئولوژی که دارای یک سلسله عقاید و بینش‌ها و شناخت‌هاست درباره جهان، خدا، انسان و جهان دیگر، و نیز مشتمل است بر یک سلسله دستورها برای رفتار در زندگی فردی و اجتماعی و این‌که چگونه باید بود و چگونه باید زیست.» (مطهری، ۱۳۹۰، آشنایی با قرآن ۱۳: ۲۳۲)

استاد مطهری دین را امری مقدس، با اهدافی متعالی می‌داند و در مقابل زمانه خویش را دچار ظلمت و جهل می‌بیند و از این رو، روشن‌بینی و آگاهی و جهت‌شناسی را جزء اساس دین می‌داند. بنابراین طبیعی است که آگاه‌سازی و تشریح کارآمدی و توان پاسخ‌گویی دین به مسائل جدید، که

هم سبب تعالی معنوی و هم پیشرفت مادی انسان در دوره جدید می‌شود، ماهیت اصلی کارهای ایشان را تشکیل دهد. از جمله مفاهیم دین‌شناسانه مورد توجه استاد مطهری عبارتند از: دعا، تقوا، امر به معروف و نهی از منکر، اجتهاد، عدالت، زهد، ایمان، مهدویت، شهادت، جهاد، حماسه، موعظه، رزاقیت الهی، توکل و... ایشان در دفاع از قیام امام حسین (ع) نیز از همین مفاهیم بهره می‌گیرد. این مفاهیم از سویی عقاید اساسی اسلام را شامل می‌شود و از سوی دیگر معرف اسلام به‌عنوان ایدئولوژی، مکتب مبارزه و مطرح در زمانه است و استاد مطهری تلاش می‌کند در طرح هر دو دسته مفاهیم، چهره‌ای متعهد، مسئول و معقول از دین و شعائر دینی ارائه دهد. (محمدی، ۱۳۷۴: ۱۰۹)

با توجه به گستردگی اندیشه‌های آیت‌الله مطهری در حوزه‌های مختلف، در اینجا تنها به رؤس بخشی از اندیشه‌های ایشان در حوزه‌های مختلف اشاره می‌شود: انتقاد از بیگانه شدن انسان امروزی با خود و خدا و توجه بیش از اندازه به محسوسات؛ پیوند دفاع از انسان با اعتقاد به خدا؛ پیوند معنویت با ایمان به خدا؛ ردّ انسان‌گرایی مادی؛ پیوند هویت حقیقی انسان با حقیقت الهی؛ پیوند شهود من حقیقی با شهود خداوند؛ عدالت در مقام

فلسفه اجتماعی اسلام؛ عدالت هدف رسالت انبیاء؛ ریشه داشتن عدالت اسلامی در قرآن؛ ارزش ذاتی عدالت و وابسته بودن مشروعیت قانون به ارتباط آن با عدالت؛ ایمان و معنویت ضامن اجرای عدالت؛ وابستگی مفهوم مساوات به عدالت و ضرورت تبعیت آن از عدالت؛ حل تضاد آزادی و مساوات با ارجاع به تعاون، همگرایی و همکاری؛ اعتقاد به اصالت فرد و جامعه؛ تقدم حقوق اجتماعی بر فردی به شرط عدم خسارت به حقوق فردی؛ منع تجاوز افراد به حقوق یکدیگر در جامعه و ضرورت استیفای حقوق افراد؛ تلازم حق و تکلیف با یکدیگر و ضرورت توجه همزمان به این دو درباره انسان؛ (توسلی، ۱۳۸۱: ۶۱-۱۵۴) اهمیت آزادی در اسلام و هم‌رتبه بودن آن با ایمان به خدا؛ عدم تقابل آزادی با قضا و قدر؛ تأکید بر فطرت انسان پاکی سرشت او؛ عقل، فکر و اراده مبنای آزادی انسان؛ ردّ آزادی از دیدگاه غرب و دفاع از آزادی در خدمت تکامل انسان؛ رهایی انسان از سلطه انسان‌های دیگر به مثابه عنصری دیگر از آزادی و وابستگی آزادی اجتماعی به آزادی معنوی و انتقاد از نبود آزادی معنوی در دنیای امروز. (میراحمدی، ۱۳۸۱: ۱۹۳-۲۱۷)

یکی از مسائل مهم اما در جریان نهضت اسلامی ایران و انقلاب اسلامی، مقوله حکومت جایگزین است که امام خمینی (ره) بحث آن را به-تدریج از سال‌های پایانی دهه ۴۰ در نجف تحت عنوان حکومت اسلامی آغاز می‌کند. این موضوع در دیدگاه‌های استاد مطهری نیز مورد توجه ویژه است.

آیت‌الله مطهری با ردّ دموکراسی غرب، همان دیدگاه امام خمینی درباره حکومت جایگزین، یعنی جمهوری اسلامی را تبیین و تشریح می‌کند. ایشان به صورت ضمنی جمهوریت و اسلامیت را دو مفهوم در هم تنیده که تداعی‌کننده حق الهی حکومت و حق رأی و دخالت مردم در سرنوشت خود است، می‌داند. (مطهری، آینده انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۳۸-۱۴۱)

آیت‌الله مطهری قائل به پیوند دین و سیاست در قالب نظریه «ولایت فقیه» است و مشروعیت الهی ولایت فقیه را به صورت «انتصاب کلی» معتقد است. ایشان الهی بودن حکومت و ولایت فقیه را معتقد است، اما به حقوق طبیعی و فطری مردم از جمله حق انتخاب حکومت و حاکم هم اعتقاد دارد و در نهایت ایشان مشروعیت حکومت اسلامی را بر دو رکن انتصاب کلی از سوی خدا و رأی مردم می‌داند. (قراملکی، ۱۳۸۱: ۱۷۰-۱۹۰)

آیت‌الله مطهری همانند دیگر نواندیشان دینی زمانش با مسائلی همچون ایدئولوژی‌های مادی و به‌پرسش گرفتن دین در دنیای جدید مواجه است و از این رو در هر مسئله‌ای که دین از جانب تفکرات این جهانی مورد سؤال قرار می‌گیرد، وارد شده و به دفاع از دین می‌پردازد. وی در مقابل دعاوی علم‌گرایانه، از «فریضه علم» و «نظر اسلام درباره علم» سخن می‌گوید؛ در مقابل دعاوی ایران‌گرایانه کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران را تألیف می‌کند؛ در مقابل ادعاهای عدم سازگاری دین و عقل، بر مسئله تفکر در قرآن و نهج‌البلاغه تأکید می‌کند؛ در برابر زیر سؤال بردن دیدگاه اسلام نسبت به زن، حقوق زن در اسلام را مطرح می‌کند و در مقابل تلاش‌های مکاتب مادی، بیش از همه از فوائد، اهمیت و آثار ایمان در جامعه سخن می‌گوید. (محمدی، ۱۳۷۴: ۱۱۰-۱۱۱)

در مجموع تلاش‌های علمی استاد مطهری دارای دو وجه سلبی و ایجابی پُررنگ است. ردّ مادی‌گری و انتقاد از مارکسیسم و لیبرالیسم و دیگر مکاتب این جهانی و همچنین تلاش جهت مردود دانستن خرافات و سنت‌های غلط دینی و برداشت‌های ناصحیح از اسلام، وجه سلبی تلاش - های ایشان و اثبات فلسفی-کلامی کارآمدی عقاید اسلامی در دوره جدید و

سازگاری آن با تحولات و مقتضیات زمانه بدون از بین رفتن اصول و ثوابت دین و ارائه تعریف اسلامی از مفاهیم سیاسی- اجتماعی دنیای جدید، وجه ایجابی اندیشه‌های ایشان است.

استاد شهید، مرتضی مطهری در اندیشه‌ورزی در این دو ساحت، هرچند دغدغه و قصد اصلی او احیاء دین است، اما از آنجا که جایگاه انسان در دین را بسیار مهم می‌داند، در باب انسان نیز مباحث زیادی را ارائه می‌کند و از جمله معتقد است: «قرآن کتابی است انسانی به مفهوم خاص آن، یعنی انسان شناسی و یا روان شناسی مصطلح بشری که انسان را به صورت یک پدیده و جامعه را به صورت یک پدیده می‌شناسد، بلکه مافوق پدیده شناسی؛ برای شناساندن انسان به انسان، شناساندن جهان به انسان، شناساندن خدا به انسان.» (مطهری، یادداشت‌ها جلد ۸، ۱۳۸۹: ۳۸۱) ایشان به مقوله جبر و اختیار درباره انسان، سرشت و سرنوشت، فطرت، نقد انسان‌شناسی غرب، ارزش‌های انسانی، محبت و دوستی، کرامت نفس، شناخت، انسان و ایمان، ابعاد مختلف وجود انسانی و... می‌پردازد. (مطهری، آزادی معنوی، ۱۳۹۰: ۱۲-۴۰) استاد مطهری انسان‌شناسی اسلامی را در قالب نظریه فطرت پایه‌ریزی کرد و آن را محور اندیشه و نظریه‌پردازی خود

می‌دانست. ایشان در پاسخ به این سؤال که تخصص اصلی شما در کدام شاخه فلسفه است، گفت: من فیلسوف فطرت هستم. (گروه معارف اسلامی دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۴: ۵-۱۳) فطرت کلیدی‌ترین مفهوم در اندیشه استاد مطهری است و ایشان بسیاری از مسائل، همچون حق، عدالت، آزادی و... را با دوری یا نزدیکی این مفاهیم به فطرت انسان، پاسخ می‌دهد.

آیت‌الله مطهری، جدای از کلیاتی که درباره انسان می‌گوید، به موضوع انسان کامل توجه ویژه‌ای دارد و این بحث را در زمانه‌ای که مکاتب مادی، ادعای تعریف انسان را داشتند ارائه می‌کند تا هم پاسخ اسلام به چیستی انسان را ارائه دهد و هم الگو و نمونه‌ی انسان کامل را به بشر امروز معرفی کند و این البته برای مسلمانان یک تکلیف دینی است، چرا که به اعتقاد استاد مطهری اگر ما انسان کامل را که همانا نماینده خدا در روی زمین است نشناسیم، نمی‌توانیم یک مسلمان واقعی باشیم. در مجموع استاد مطهری در کتاب انسان کامل، ضمن نقد و بررسی دیدگاه مکاتب مختلف درباره انسان، به تشریح چیستی انسان کامل از دیدگاه اسلام می‌پردازد و در نهایت می‌گوید: «انسان کامل آن انسانی است که همه ارزش‌های انسانی در او رشد کنند و هیچ کدام بی‌رشد نمانند و همه هماهنگ با یکدیگر رشد

کنند و رشد هرکدام از این ارزش‌ها به حد اعلیٰ برسد. این انسان می‌شود انسان کامل، انسانی که قرآن از او تعبیر به «امام» می‌کند.» (مطهری، انسان کامل، ۱۳۹۰: ۳۴)

استاد مطهری که برخورداری از حکمت عملی از ویژگی‌های برجسته ایشان بود و از آن طرف خود را پاسخ‌گوی دغدغه‌ها و مسائل فرد دینی در دنیای جدید می‌دانست، توجه ویژه‌ای به موضوع اقتصاد اسلامی داشت، به‌ویژه این‌که جریان‌ات مارکسیستی سخت تبلیغ می‌کردند که اسلام فاقد نظام و دانش اقتصادی است. شهید مطهری در پاسخ به این مسئله، مباحث مختلف اقتصاد از دیدگاه اسلام را مورد بحث قرار داد. کتاب نظری به نظام اقتصادی اسلام، دربردارنده تألیفات ایشان در این زمینه است که در آن موضوعاتی همچون «اقتصاد سالم»، «تعریف اقتصاد و مفاهیم اقتصادی»، «مالکیت از نظر فلسفی»، «ارزش» و «ارزش اضافی» «سرمایه داری و سوسیالیسم از دیدگاه اسلام»، «مالکیت زمین از نظر اسلام، انفال، مسئله ارث و سوسیالیسم» و.. است. (مطهری، نظری به نظام اقتصادی اسلام، ۱۳۸۹)

استاد مطهری ابتدا اثبات می‌کند که اسلام دارای نظام و دانش اقتصادی است؛ در مسئله اصالت مالکیت فردی یا جمعی، هر دوی آن‌ها را با توجه به مقتضیات و شرایط موجود از نظر اسلام معتبر می‌داند؛ آزادی اقتصادی را البته با قید عدم خسارت به جمع می‌پذیرد و در مجموع بر رعایت مصالح جامعه در فعالیت‌های اقتصادی تأکید دارد؛ اصل تعاون و همکاری اقتصادی را به‌عنوان راه سوم در مقابل اقتصاد آزاد و اشتراکی مورد توجه قرار می‌دهد، بر استقلال و اقتدار اقتصادی جامعه اسلامی تأکید می‌کند؛ افزایش ثروت ملی را مهم می‌داند و بیش از همه بر عدالت اجتماعی تأکید دارد.

(فراهانی فرد، ۱۳۸۲: ۲۲۳-۲۵۲)

در دریای پهناور اندیشه استاد مطهری اما، یکی از موضوعات مهم تأملات ایشان درباره انقلاب اسلامی است که با توجه به این که در چله دوم انقلاب اسلامی قرار داریم، مروری بر اندیشه ایشان در این باره، از جهت شناخت چگونگی حفظ این پدیده اهمیت زیادی دارد.

چیستی انقلاب اسلامی

در اندیشه شهید مطهری، شناخت انقلاب اسلامی امری بسیار اساسی است. به اعتقاد ایشان، عدم شناخت انقلاب، سبب تحریف آن می‌شود و

بنابراین «تا ما به ماهیت این انقلاب شناخت و شناسایی درست پیدا نکنیم راه آینده خودمان را درست تشخیص نمی‌دهیم» (مطهری، آینده انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹: ۵۹-۸۳)

از این رو شهید مطهری با این که مدت زمان کمی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، زنده بود، اما طی همین مدت کوتاه دو موضوع انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را عمیقاً مدّ نظر داشت و در کتاب آینده انقلاب اسلامی ایران و همچنین در مجموعه یادداشت‌های خود، به چستی و چگونگی حفظ و تداوم این دو پدیده می‌پردازد. در اینجا با تأکید بر کتاب آینده انقلاب اسلامی ایران - در کنار دیگر آثار استاد مطهری - به انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

استاد مطهری، انقلاب اسلامی را در مرحله اول یک انقلاب روحی و معنوی مردم ایران علیه وضع موجود می‌داند. شناخت همراه با ایمان، دو مقدمه اساسی در اندیشه شهید مطهری است و بدون این دو ضرورت اولیه، انقلاب ممکن نیست و یا آینده آن نامطمئن خواهد بود. بنابراین استاد شهید، چند تحول روحی را سبب انقلاب اسلامی می‌داند: دمیده شدن روح امر به معروف و جهاد در مردم ایران؛ احساس شخصیت و اعتماد به نفس

در مردم و ایمان و اعتماد به خود پیدا کردن؛ در اندیشه شهید مطهری، خودباختگی، از اکراه فرد نسبت به فرهنگ خودی آغاز می‌شود، یعنی فرد نسبت به روحیه، فکر و فرهنگ خود بیگانه می‌شود. اگر چنین وضعیتی در روحیه یک ملت ایجاد شود، به راحتی استعمار و سرسپردگی سیاسی و اقتصادی را می‌پذیرد، بنابراین تغییر و تحول روحی، به معنای نفی فرهنگ و اندیشه بیگانه و اعتماد به روحیه، افکار و فرهنگ خودی، مهم‌ترین عامل انقلاب است و در انقلاب ایران این تحول روحی به واسطه اسلام ایجاد شد، از این رو، استاد مطهری مشخصه اصلی انقلاب ایران را ایدئولوژیک بودن و اسلامی بودن آن می‌دانند، یعنی از نظر ایشان، همه عوامل مادی و روحی که سبب شد مردم ایران علیه وضع موجود انقلاب کنند، رنگ اسلامی به خود گرفت، یعنی اگر اسلام نبود، این زمینه‌ها سبب انقلاب نمی‌شد، بنابراین اسلام در همه جای انقلاب ایران نفوذ داشت. (همان: ۱۲۶-۱۳۸)

عوامل پایداری انقلاب اسلامی از منظر شهید مطهری

۱- حفظ استقلال مکتبی

مهم‌ترین عامل حفظ و بقای انقلاب اسلامی در اندیشه استاد مطهری حفظ استقلال مکتبی است و «اگر مکتب مستقل خودمان را ارائه نکنیم،

انقلاب ما به نتیجه و ثمر نمی‌رسد». از نظر ایشان چنانچه استقلال سیاسی و اقتصادی داشته باشیم، اما استقلال فرهنگی و مکتبی ما از دست رفته باشد، به هیچ نتیجه نمی‌رسیم و «باخته‌ایم» (همان: ۱۶۷). استاد مطهری استقلال مکتبی را به معنای دوری از التقاط می‌داند. ایشان در برابر التقاط حساسیت بسیار زیادی داشت. التقاط از نظر وی به معنای استفاده کردن از دیگر مکتب‌ها و تمدن‌ها نیست، بلکه به معنای از دست دادن استقلال مکتبی و ایجاد مخلوطی از افکار و اندیشه‌های مختلف است، به گونه‌ای که در آن انتظام روحی و فکری یک مکتب از بین برود. (مطهری، نقدی بر مارکسیسم، ۱۳۸۹: ۳۱۶) از همین جهت از نظر ایشان تأویل کردن قران و نهج‌البلاغه، به معنای تأکید بر بخشی از آن و فراموش کردن بخش‌های دیگر، خیانت است. (مطهری، آینده انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۷۰)

۲- ادامه دادن مسیر عدالت خواهی

در اندیشه شهید مطهری، اجرای عدالت و عدالت در جامعه از اصل آن مهم‌تر است، چرا که اهمیت این فضیلت را بسیاری می‌دانند، اما مسئله مهم در اجرای آن است، از همین رو ایشان عدالت را همواره در پیوند با معنویت و آن هم در متن روابط اجتماعی تعریف می‌کند. ایشان عدالت

اجتماعی را مادر همه اصل‌ها در جامعه می‌داند، اما آن عدالتی که از پشتوانه ایمان و معنویت اسلامی برخوردار باشد. (مطهری، آزادی معنوی، ۱۳۹۰: ۹۲) یعنی استاد مطهری عدالت و معنویت، را مکمل هم می‌داند و ضمن این‌که معنویت را پشتوانه عدالت می‌داند، فقدان عدالت را نیز سبب تزلزل در معنویت می‌داند. (مطهری، انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۷۹) با این تعریف ایشان عدالت را از عوامل اساسی بقاء انقلاب اسلامی می‌دانند. وی در این- باره می‌گوید: «این انقلاب آن وقت محفوظ خواهد بود و این انقلاب آن وقت تداوم پیدا خواهد کرد که اولاً مسیر عدالت‌خواهی را برای همیشه ادامه بدهد یعنی دولت‌های آینده واقعا و عملاً در مسیر عدالت اسلامی گام بردارند، برای پر کردن شکاف‌های طبقاتی اقدام کنند، تبعیض‌ها را واقعا از میان ببرند؛ جامعه توحیدی به مفهوم اسلامی، جامعه بی‌طبقه به مفهوم اسلامی نه جامعه بی‌طبقه به مفهومی که دیگران می‌گویند- که میان اینها از زمین تا آسمان تفاوت است- ایجاد کنند، دولتِ حال و آینده برای برقراری جامعه بی‌طبقه اسلامی کوشش کنند و الاً اگر عدالت فراموش شود انقلاب شکست می‌خورد، چون اصلاً ماهیت این انقلاب ماهیت عدالت‌خواهانه بوده است. (همان: ۹۴-۹۵)

۳- احترام به آزادی‌ها

آزادی در اندیشه استاد مطهری جایگاه بسیار مهمی دارد. اساسا در نزد ایشان، آزادی جزء وجودی انسان است و بدون آن انسان موجودی ناقص خواهد بود و به رشد و کمال نخواهد رسید، بنابراین قبل از این که استاد مطهری آزادی را در چارچوب دین تعریف کند، اصل آزادی برایش مهم است، اما ایشان آزادی را اولاً با همه ابعاد آن تعریف می‌کند، یعنی آزادی روحی و جسمی و ثانياً آزادی را به معنایی که برای انسان سازنده باشد، تعریف می‌کند. استاد مطهری آزادی را به معنای نبود مانع پیش‌روی رشد و تکامل مادی و معنوی انسان می‌داند و انسان‌های آزاده را افرادی می‌داند که با موانع پیش‌روی خود مبارزه می‌کنند. شهید مطهری در ادامه انواع آزادی را بیان می‌کند و آزادی معنوی را مقدمه و پیش‌نیاز همه آزادی‌ها می‌داند. آزادی معنوی، به معنای رهایی انسان از سیطره غرایز که همانا شهوت، خشم، حرص و آز است، می‌باشد و با فراهم شدن این آزادی، می‌توان به آزادی اجتماعی پرداخت. از نظر استاد شهید، آزادی اجتماعی یکی از مقاصد مهم انبیاء است و به معنای رهاندن انسان از انواع بندگی‌ها و بردگی‌های اجتماعی می‌باشد، اما در صورتی این آزادی فراهم می‌شود که

فرد از قید غرایزش آزاد شده باشد. (مطهری، آزادی معنوی، ۱۳۹۰: ۱۱-
(۱۷)

تقدیمی که استاد مطهری برای آزادی معنوی قائل است، در زمینه آزادی عقیده نیز وجود دارد. ایشان به جای آزادی عقیده از مفهوم آزادی تفکر استفاده می‌کند و میان تفکر و عقیده تفاوت قائل است. تفکر یعنی «همان استعداد انسانی بشر که می‌تواند در مسائل، علمی و منطقی بیندیشد. این استعداد حتما باید آزاد باشد و پیشرفت و تکامل بشر در گرو این آزادی است.» (مطهری، انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹: ۳۸) اما آزادی عقیده را نمی‌توان به صورت مطلق آزاد گذاشت، چرا که برخی عقاید خلاف طبیعت و فطرت انسان هستند. از این رو «حق طبیعی و فطری بشر این نیست که هر عقیده‌ای را که انتخاب کرد، به موجب این حق محترم است.» (مطهری، آشنایی با قرآن ۳، ۱۳۸۹: ۲۱۵) استاد مطهری آن نوع از آزادی عقیده را معتقدند که نه بر مبنای دلبستگی‌ها و احساسات، بلکه بر مبنای تفکر باشد، بنابراین ملاک آزادی تفکر است و چه بسا آزادی عقیده گاه سبب از بین رفتن آزادی تفکر شود. (مطهری، انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹: ۲۹۹-۳۰۰) از نظر استاد مطهری آزادی تفکر، یعنی آزادی که حاصل تأملات شخصی خود فرد

باشد و در اثر وراثت، تقلید، جهل و تسلیم در مقابل عوامل ضدفکر در انسان، ایجاد نشده باشد، از هر نوعی که باشد در اسلام محترم است. (همان: ۲۹۹-۳۰۳) و نباید به بهانه مقابله با عقاید منحرف، اختناق ایجاد کرد. اختناق در تعریف استاد مطهری، مساوی با استبداد است و همانا یک وضعیت سیاسی محسوب می‌شود که طی آن قدرت حاکمه با استفاده از زور، حقوق سیاسی و اجتماعی مردم را مانع می‌شود. (مطهری، آشنایی با قرآن ۱۳، ۱۳۹۰: ۱۲۸)

با این توضیحات درباره آزادی است که استاد مطهری بر اهمیت آن در حفظ انقلاب اسلامی تأکید دارد. ایشان در باره ضرورت آزادی در جمهوری اسلامی می‌گویند: «باید ما به آزادی‌ها به معنی واقعی در آینده احترام بگذاریم یعنی اگر دولت اسلامی، جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی بخواهد زمینه اختناق را به وجود بیاورد قطعاً شکست خواهد خورد. البته آزادی غیر از هرج و مرج است. آزادی به معنی معقول. هر کسی در درجه اول فکرش باید آزاد باشد، بیان و قلمش باید آزاد باشد. اما فکر آزاد باشد یعنی اگر کسی واقعا منطقی و فکری دارد فکر خودش را بگوید. اتفاقاً تجربه‌های گذشته نشان داده است که هر وقت در جامعه ما

نوعی آزادی فکری بوده- ولو از روی سوء نیت هم بوده است- این امر به ضرر اسلام تمام نشده بلکه به سود اسلام تمام شده است [مشروط به این که ما هم حرف خودمان را بزنیم نه این که آنها] حرفشان را بزنند ما سکوت کنیم و حرف خودمان را نزنیم.» (مطهری، انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹:

(۹۲)

۴- درک صحیح روحانیت نسبت به وظایف خود

استاد مطهری با اعتقاد به این که در آینده، انقلاب اسلامی نیاز زیادی به روحانیت دارد، درک روحانیت از وظایف خود را امری مهم در حفظ و بقاء انقلاب اسلامی می‌داند. ایشان انتظار بسیار بالایی از روحانیت دارند و افزایش سطح علمی، اخلاقی و معنوی و تعاملات روحانیت با مردم را ضرورتی مهم در حفظ انقلاب اسلامی می‌دانند. استاد مطهری معتقد است دوران انقلاب اسلامی به دوران صدر اسلام و به ویژه دوران امام صادق(ع) شباهت دارد که آراء و عقاید مختلف علیه اسلام به پا خاستند و امامان شیعه و شاگردان آنها با انجام مباحثات مختلف با علمای مکاتب فکری گوناگون، توانستند، حقایق اسلام را اثبات کنند. ایشان همین انتظار را از روحانیت در دوره کنونی دارند و البته با وجود تأکید بر نقش تاریخی

روحانیون در بیداری مردم ایران، به این نقش‌ها قانع نیستند و خواهان افزایش فعالیت‌های علمی و تبلیغی روحانیون هستند. استاد مطهری وضعیت موجود در بین روحانیت را همانند درختی زنده آفت‌زده می‌داند که باید اصلاح شود و تفکر دو طیفی که برخی معتقدند اصلاً نباید به سازمان روحانیت دست زد و برخی دیگر که خواهان ریشه‌کن کردن روحانیت هستند، را رد می‌کند و در مجموع اصلاح و ارتقاء طیف روحانیت را بسیار مهم می‌داند، چرا که معتقد است: «آینده انقلاب اسلامی ایران پیوند زیادی دارد با آینده روحانیت» (همان: ۱۹۳-۱۹۴)

استاد مطهری با اعتقاد به این که عامل موفقیت روحانیت در تاریخ تشیع، استقلال از دولت‌ها و حکومت‌ها بوده است، با حضور روحانیون در دولت موافق نیستند و معتقدند روحانیون باید به کارهای تبلیغی، آموزشی و قضاوت بپردازند و در صف ملت باقی مانده و دولت را ارشاد و مراقبت کنند. ایجاد نهاد امر به معروف و نهی از منکر زیر نظر روحانیون یکی دیگر از اقدامات مهم جهت حفظ انقلاب اسلامی است؛ استاد مطهری در ادامه همین بحث بر ضرورت اصلاح عزاداری‌ها، زدودن خرافات و شایعات در ذکر مصائب، تأکید می‌کنند. (همان: ۱۹۷-۱۹۸)

در مجموع آینده انقلاب اسلامی و پاسخ به مسائل مختلف در جمهوری اسلامی از دغدغه‌های مهم استاد مطهری است و این دغدغه ریشه در این دیدگاه اساسی ایشان دارد که معتقد است با اندیشه‌ورزی، تأمل و تفکر می‌توان پاسخ اسلام به مقتضیات روز را استخراج کرد، مهم این است که جامعه از تفکر و اندیشه غافل نشود و از طرفی اندیشه را قربانی دستیابی به هدف نکند. در نزد شهید مطهری اصل اندیشه‌ورزی و تفکر بر هر امری تقدم دارد و ایشان در این باره به همان اصل ضرورت پذیرش استدلالی و عقلانی اصول عقاید ارجاع می‌دهد. اساساً از نظر استاد مطهری «تفکر یعنی قدرت غربال کردن و تمیز دادن درست از نادرست و وقتی انسانی قدرت تمیز و تشخیص درست از نادرست را نداشته باشد اصلاً تفکر ندارد، کار او جذب است نه تفکر.» (مطهری، آشنایی با قرآن ۱۲، ۱۳۸۹: ۵۴-۵۵)

جمع‌بندی

انقلاب اسلامی نتیجه طبیعی زندگی فرد مسلمان در دنیای جدید بود و اندیشه آیت‌الله مطهری طبیعی بودن این موضوع را صورت‌بندی می‌کند. یعنی فرد مسلمان اگر قرار بود با حفظ سنت و دیانت در دنیای جدید زندگی کند، نمی‌توانست در نظام استبدادی و غیردینی زیست کند، از این

رو دست به انقلاب علیه نظام موجود زد و به تشکیل نظامی اسلامی با مختصاتی جدید اقدام کرد که همانا جمهوری اسلامی می‌باشد. اندیشه استاد مطهری در شکل‌گیری این روند و هدایت آن نقش مهمی ایفا کرد و هرچند ایشان تنها نظریه‌پرداز انقلاب اسلامی نبود، اما وی با برخورداری از تعالیم امام خمینی(ره) و زندگی در بین توده‌های انقلابی، اصلی‌ترین مبلغ اندیشه امام راحل(ره) و نظام جایگزین مورد نظر ایشان در جامعه ایران بود، بنابراین اندیشه استاد مطهری، همچنان معیار تشخیص تفکرات انقلابی از شبه انقلابی است و مقام معظم رهبری نیز ضمن این که بارها به خواندن آثار استاد مطهری دعوت کرده‌اند، خود نیز در بسیاری از بیانات‌شان از آموزه‌های استاد مطهری استفاده می‌کنند، از جمله بحث نفی و اثبات‌های جمهوری اسلامی که مقام معظم رهبری چند سال پیش مطرح کردند، ریشه در بحث استاد مطهری در زمینه نفی و اثبات‌های انقلاب اسلامی دارد. در زمانه کنونی که برخی قصد دارند با تفسیر غیرواقعی از انقلاب اسلامی، آن را به سود منافع سیاسی خود تفسیر کنند، بازخوانی اندیشه استاد مطهری، به‌ویژه در زمینه انقلاب اسلامی، ما را در شناخت درست این پدیده یاری

می‌کند و همچنان که استاد شهید تأکید دارند، شناخت درست انقلاب اسلامی، عامل اصلی حفظ و تداوم آن است.

فهرست منابع

- ۱- توسلی، حسین، «حق، عدالت و برابری از دیدگاه استاد مطهری»، در اندیشه سیاسی آیت الله مطهری، (۱۳۸۱)، به کوشش نجف لک زایی و دیگران، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
- ۲- فراهانی فرد، سعید، (۱۳۸۲)، «اندیشه اقتصادی استاد شهید مطهری»، فصلنامه قیاسات، دوره ۸، شماره ۳۰-۳۱.
- ۳- قدردان قراملکی، محمدحسن، «ولایت فقیه از دیدگاه استاد مطهری»، در اندیشه سیاسی آیت الله مطهری، (۱۳۸۱)، به کوشش نجف لک زایی و دیگران، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
- ۴- گروه معارف اسلامی دانشگاه امام صادق، (۱۳۸۴)، خلاصه مجموعه آثار استاد مرتضی مطهری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۵- محمدی، مجید، (۱۳۷۴)، دین‌شناسی معاصر، تهران: قطره.
- ۶- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰)، آشنایی با قرآن، جلد ۱۳، تهران: صدرا.

۷- -----، (۱۳۸۹)، آشنایی با قران، مجلدات ۳ و ۱۲،

تهران: صدرا.

۸- -----، (۱۳۹۰)، آزادی معنوی، تهران: صدرا.

۹- -----، (۱۳۹۰)، انسان کامل، تهران: صدرا.

۱۰- -----، (۱۳۸۹)، آینده انقلاب اسلامی، تهران:

صدرا.

۱۱- -----، (۱۳۸۹)، نظری به نظام اقتصادی اسلام،

تهران: صدرا.

۱۲- -----، (۱۳۸۹)، نقدی بر مارکسیسم، تهران: صدرا.

۱۳- -----، (۱۳۸۹)، یادداشت‌های استاد مطهری، جلد

۸، تهران: صدرا.

۱۴- میراحمدی، منصور، «آزادی از دیدگاه استاد مطهری»، در اندیشه

سیاسی آیت الله مطهری، (۱۳۸۱)، به کوشش نجف لک زایی و دیگران، قم:

بوستان کتاب، ۱۳۸۱.

۱۵- واثقی، محمدحسین، (۱۳۸۷)، مصلح بیدار (مجموعه مصاحبه‌ها،

مقالات، سخنرانیها و ... درباره زندگانی و شخصیت شهید آیه‌الله مطهری)

(جلد ۱)، تهران: صدرا.